

رسول خدا ﷺ

آخرین پیام دین به بشریت

تألیف:

خالد محمد خالد

ترجمہ:

جمال احمدی

سرشناسه	خالد، محمد خالد. ۱۹۲۰ - ۱۹۹۶ م.
عنوان قرارداد	الاسلام ینادی البشر الی هذا الرسول . فارسی الاسلامی ینادی البشر هذا الرسول، فارسی
عنوان و نام پدیدآور	رسول خدا (ص) آخرین پیام دین به بشرت / تالیف خالد محمد خالد؛ ترجمه جمال احمدی.
مشخصات نشر	سنندج: آراس، ۱۳۹۳.
مشخصات ظاهری	۱۳۵ ص.
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۶۸۴۰-۹۰-۱
وضعیت فهرست نویسی	فیا
موضوع	محمد (ص)، پیامبر اسلام، ۵۳ قبل از هجرت - ا.ی. - فضایل
شناسه افزوده	احمدی، جمال، ۱۳۵۲ - مترجم
رده بندی کنگره	۱۳۹۳ ۵۰۴۱ ۵۰۴۱/۸ خ/ BP۳۶
رده بندی دیویی	۲۹۷/۹۳
شماره کتابخانه ملی	۳۵۳۸۳۹۸



انتشارات آراس

رسول خدا ﷺ آخرین پیام دین به بشریت

مؤلف: خالد محمد خالد

مترجم: دکتر جمال احمدی

(عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج)

ویراستار: دکتر بدریه قوامی

ناشر: آراس

طراح: شعیب مکتب‌داری

نوبت چاپ: اول، پاییز ۱۳۹۳

تیراژ: ۱۰۰۰

قیمت: ۷۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۸۴۰-۹۰-۱

مرکز پخش:

سنندج پاساژ عزتی انتشارات آراس

تلفن: ۰۸۷-۳۳۱۲۸۳۴۱

ایمیل: arasbooks73@gmail.com

فهرست

صفحه	عنوان
۵	پیشگفتار مترجم
۱۳	سخن ناشر
۱۵	مقدمه نویسنده
۱۹	آغاز سخن
۲۷	بشری مانند شما
۳۹	مردی برای تمام دورانها
۵۱	بشارتهای او (ص)
۶۵	مردی پنهان در کودکی
۷۵	پیامبری نهان در مرد
۸۷	طلوع نبوت
۱۰۳	آیا بشری ما را راهنمایی کند؟
۱۱۵	چرا محمّد؟
۱۱۹	خیزش انسان

پیش‌گفتار مترجم

«دعوت انبیا همین است که ای بیگانه، به صورت، تو جزو منی، از من چرا بی‌خبری؟ بیا ای جزو، از کل بی‌خبر مباش، با خبر شو، و با من آشنا شو». (مقالات شمس تبریزی: ۱۶۲)

کتابی که پیش روی خوانندگان گرامی قرار دارد، ترجمه «لایسلاُم ینادی البشر الی هذا الرسول»، اثر نویسنده نام‌آشنا و بزرگوار مصری، خالد محمد خالد است. این اثر، که نویسنده مرحوم پیش بینی کرده بود آن را در چهار جزء منتشر کند، با نوشتن جزء اول (= همین کتاب)، بیمار شد و پس از مدتی فوت کرد.

این کتاب زندگی پیامبر(ص) نیست، بلکه حقایقیت پیامبر(ص) را ثابت می‌کند. نویسنده تلاش می‌کند با توجه به ارهاصات ایام ولادت، دوران کودکی، نوجوانی، جوانی و پیش از بعثت، بر حقایقیت رسول خدا(ص) پای بفشارد. همچنین برای اثبات حقایقیت پیامبر(ص)، از دیدگاه برخی غریبان، و استناد به تورات و انجیل استفاده می‌کند و سرانجام به این نتیجه می‌رسد که آخرین پیام دین برای بشریت، پیروی صادقانه و خالصانه از آخرین فرستاده خدا است.

در اینجا لازم می‌آید برای کسانی که ممکن است با زندگی و افکار نویسنده کتاب آشنا نباشند، به اختصار و بر اساس منابع مورد اطمینان، اندکی به زندگی خالد محمد خالد پرداخته شود:

خالد محمد خالد، در روز سه‌شنبه ۲۷ رمضان المبارک سال ۱۳۳۹ هجری قمری مطابق با سال ۱۹۲۰ میلادی در «العدوه»، یکی از روستاهای استان شرقی مصر، چشم به جهان گشود. او در همان حوادث سن، وارد مکتب‌خانه روستا شد و اندکی از قرآن را حفظ کرد و خواندن و نوشتن فراگرفت.

بعدها که پدرش، شیخ محمد خالد، تصمیم گرفت فرزندش را به «الازهر» بفرستد، به قاهره کوچ کرد و در آنجا او را تحت تولیت «الشیخ حسین»، فرزند دیگرش، در آورد و چون شرط ورود به الازهر، حفظ کامل قرآن بود، از این رو در مدت کوتاهی تمامی قرآن را حفظ کرد. همان طور که در کتاب «قصتی مع الحیة» آمده، او در مدت پنج ماه، کل قرآن را حفظ کرد. پس از آن بود که به الازهر رفت و در حلقه استادان بنام ازهر تعالیم علوم گوناگون دید و سرانجام پس از شانزده سال تلاش، در سال ۱۹۴۵ مدرک عالی شریعت را از ازهر دریافت کرد. در آن هنگام خالد محمد خالد، پدر دو فرزند بود.

پس از فراغت از تحصیل، چند سالی را تدریس کرد تا اینکه در سال ۱۹۵۴ مشاور چاپ و نشر وزارت فرهنگ شد و تدریس را رها کرد. او قبل از موعد و به اختیار خود در سال ۱۹۷۶ دست از همه کارهای دولتی شست. در دوره جمال عبدالناصر و انور سادات، پستیهای مهمی به او پیشنهاد شد، اما او هیچ‌گاه نپذیرفت و آن پیشنهادها را فریبیده دانست و به زهد و ورع مشغول گشت.

زندگی خالد مراحل گوناگونی داشته است: حفظ قرآن کریم در مدت زمان بسیار اندک، تحصیل در الازهر، تشنه معرفت، شیفته فنون و آداب و فرهنگ، توجه به سیاست، خطیب توانمند و فصیح، واعظ چیره دست که قلوب را وادار به پذیرش ایمان می‌کرد و سرانجام عابدی متوجه آخرت و صوفی‌ای مشغول به پروردگار. او همه این مراحل را در کتاب خود، موسوم به «قصتی مع الحیة» به تفصیل آورده است.

خالد محمد خالد در ایام جوانی، مقامات تبّتل را یکی پس از دیگری تحت نظر مربی کامل، «شیخ محمود خطّاب السبکی» طی کرد. به گفته خالد محمد، شیخ محمود از اعظم و اعاجیب عصر به شمار می‌رفت، وی در مورد مربی خود می‌گوید:

«توصیف او از کارهای بسیار دشوار است و هر نویسنده را به حیرت و عجز می‌افکند».

زندگی خالد محمد خالد در آغاز همچون نهری جاری ولی پرخروش بود، اما وقتی به دریا می‌رسد، امواجش آرام می‌شود. آثار او نیز همان گونه است؛ با جوش و خروش آغاز می‌شود و با یقین و آرامش، پایان می‌پذیرد. آثار او تموّج شطّ حیات است. اخلاص را می‌توان در تمامی آثارش به وضوح مشاهده کرد. آنچنان از وابستگی‌های دنیایی گریزان بود که دنیا از هر دری خواسته به او روی آورد، وی آن در را می‌بست. برای نمونه جمال عبدالناصر و دوستانش در مجلس شورای رهبری انقلاب، کتابهای خالد را پیش از انقلاب خوانده بودند. جمال عبدالناصر تا آنجا به آثار خالد رغبت نشان می‌داد که با هزینه شخصی، صدها جلد از آثار او را در میان افسران توزیع می‌کرد. با وجود آن، وقتی انقلاب مصر به پیروزی رسید، نه تنها هیچ طرفی از آن نیست، که به یکی از منتقدان جدی انقلاب مصر بدل شد.

اندکی پس از پیروزی انقلاب مصر بود که به دلیل طی کردن مسیر دیکتاتوری در مصر، خالد محمد خالد، کتاب «الدیمقراطیه ابدی» را به رشته تحریر در آورد.

خالد محمد خالد با چاپ و انتشار کتاب «مین هنا نبدا» در سال ۱۹۵۰ چون نویسنده‌ای یگانه و صاحب اندیشه‌ای والا بر مردم ظاهر شد. در این کتاب، او به عنوان مصلحی اجتماعی و زعیمی فکری تلاش می‌کند مردم را بیدار کند، از این رو آثار پی در پی او نه تنها در مصر که در اقصی نقاط عالم اسلامی، مخاطبان خود را پیدا کرد. این کتاب در سال ۱۹۵۰ چهار بار تجدید

چاپ شد، و در همان سال در آمریکا به انگلیسی چاپ و منتشر شد و چندین رساله و پژوهش دانشگاهی در اروپا و آمریکا درباره آن نوشته شد. اما فطرت پاک و نیت صادق مؤلف، پس از چاپ و انتشار کتاب، او را متوجه ساخت که دلیل استقبال دشمنان اسلام از این اثر، خطایی است که در آن رخ داده است. پس از آنکه متوجه اشتباه کتاب شد، برای تصحیح و جبران آن از هیچ کوششی فرو گذار نکرد. او در قالب مقالات و پژوهشهای دیگر، در رادیو و تلویزیون و غیره به جبران پرداخت و در کتاب بعدی به صراحت بیان کرد که شعار کتابش «اسلام، دین و حکومت، حق و قدرت، فرهنگ و تمدن و عبادت و سیاست» است.

از خالد علاوه بر مقالات و سخنرانی‌ها و گفت و گوها، بالغ بر ۳۰ مجلد کتاب به رشته تحریر در آمده است. مشهورترین آثار او، اسلامیات او است. کتاب «رجال حول الرسول» و «خلفاء الرسول» از مهمترین آثار او است که به بیشتر زبانهای دنیا ترجمه شده است. همچنین درباره اسلام می‌توان به کتابهای ذیل اشاره داشت:

«ابناء الرسول فی کربلا»، «الموعود الله»، «لقاء مع الرسول»، «کما تحدّث الرسول»، «کما تحدّث القرآن»، «انسانیات محمد»، «عشرة ایام فی حیاة الرسول» و....

از کتابهای سیاسی و اجتماعی و فلسفی او نیز می‌توان به سه کتاب ذیل اشاره داشت:

«الديمقراطية ابدأ»، «الدفاع عن الديمقراطية»، «لو شهدت حوارهم لقلت». همچنین او در کتابی به نام «قصتی مع الحیاة» به نوشتن حوادث زندگی خود پرداخته است.

آخرین اثر خالد محمد خالد، کتاب «الاسلام ینادی البشر» است که در اثناء نوشتن آن بیمار شد و پس از اتمام جزء اول آن (=الی هذا الرسول)، اجل به او مهلت نداد و دار فانی را به سرای باقی وداع گفت.

خالد محمد خالد، دارای نفسی پاکیزه بود و در غالب اوقات لبخندی بر لب داشت. همیشه آرامش و طمأنینه بر او غالب بود. در نهایت کرامت، تواضع و اخلاق متعالی بود. نسبت به پدر و مادرش به نیکویی رفتار می کرد. صلۀ رحم به جای می آورد. تا آخرین لحظات عمر با برکتش، در بر آوردن حاجات مردم تلاش می کرد. از کثرت مراجعه مردم، حتی در ایام بیماری ملول نمی شد و همیشه در این اوقات می گفت: این زکات مقام و موقعیت من است که باید پرداخت کنم.

تمام زندگیش را در زهد و پارسایی به سر برد. در داوریهایش همیشه جانب انصاف را رعایت می کرد. قبل از آنکه انقلاب مصر به ثمر برسد، یکی از منتقدان اخوان المسلمین بود، اما پس از پیروزی، که انقلاب، اخوان المسلمین را پس زد و بسیاری از آنها را روانۀ زندان کرد و آزارها دیدند، خالد نیز قلم انتقاد خود را از آنان برداشت و این بار از در حمایت و دوستی و مهرورزی در آمد. دکتر یوسف قرضاوی در یکی از آثار خود به مواضع و مواقف خالد محمد خالد در بارۀ اخوان المسلمین اشاره داشته است.

او دوستدار خیر و نیکی بود. نسبت به همه انسانها مهر می ورزید. از خطاهایشان در می گذشت. همیشه با مدارا و مسامحه با اشتباه دیگران برخورد می کرد. در جمله، می توان گفت که او به راستی متخلق به اخلاق اسلامی بود. رفتار و اخلاقش نشان از ایمانی ژرف و یقینی راسخ داشت.

خالد محمد، در اواخر عمر، مدتی طولانی بیمار شد. در این دوران همیشه می گفت: مؤمن به هیچ نیاساید مگر لقاء پروردگار. یاد مرگ او را آزار نمی داد، بلکه مشتاقانه برای مرگ آغوش گشوده و آماده بود. وی وصیت کرده بود که در ازهر بر او نماز گزارند و در زادگاهش و در میان بستگانش دفن شود. او سرانجام در روز پنج شنبه، شب جمعه، نهم شوال ۱۴۱۶ / ۱۹۹۶ پس از ۷۶ سال زندگی به دیار ابدی شتافت. خدایش بیامرزاد و او را همراه «حسن اولئک رفیقاً» محشور کند.

در پایان این مقدمه، ذکر چند نکته ضروری است:

- مترجم، ترجمه تحت اللفظی را نه مناسب و مطلوب می‌داند و نه برای ترجمه این کتاب به کار برده است. از این رو نوع ترجمه این کتاب «معنایی» است و ترجمه معنایی «ترجمه‌ای است که معنای دقیق متن مبدأ با نزدیک‌ترین ساختهای دستوری و معنایی زبان مقصد، منتقل می‌شود».
- زبان خالد محمد خالد زبانی شاعرانه و هنرمندانه است. اگر چه تلاش شده است برخی از این هنرنمایی‌ها و ظرافتها به ترجمه منتقل شود، اما واقع امر این است که از این لحاظ ترجمه ما دارای کاستی‌های فراوانی است. «گر خطا گفتیم / اصلاحش تو کن / مصلحتی تو ای تو سلطان سخن».
- برای ترجمه آباتی که در متن کتاب آمده، از تفسیر نور دکتر مصطفی خرم‌دل استفاده شده است.
- نویسنده کتاب در سال ۱۹۹۵ شاهد جنایات صربها در بوسنی و روسها در چین علیه مسلمانان بی‌پناه بود، از این رو صفحه آخر کتاب را به این ماجرا اختصاص داده و اشاره مختصری به آن داشته است. مترجم به دو دلیل این صفحه را لازم ندید در ترجمه بیاورد. یکی این که سالها از این ماجرا گذشته و بازخوانی این حوادث تأسف بار آن هم بسیار مختصر لطفی ندارد. ثانیاً نویسنده در اواخر کتاب سخن از رحم و عطف و مهربانی پیامبر(ص) به میان آورده که به نظر می‌رسد حسن مقطع بسیار مناسبی باشد.
- در پایان این پیش‌گفتار لازم است از همکار گرامیم، دکتر بدریه قوامی، به خاطر خواندن دقیق متن، ویرایش کتاب و توصیه‌ها و پیشنهادهای عالمانه، سپاسگزاری کنم. همچنین قدردان دوست عزیزم، دکتر جمیل جعفری، برای رهنمودها و راهنمایی‌هایش

هستم. از مدیر انتشارات آراس، آقای سعدی سجادی، که همواره در نشر و چاپ آثار فرهنگی - دینی نهایت توجّه و تلاش را دارند، سپاس ویژه دارم.

والحمد لله أولاً و آخراً

جمال احمدی

سنندج، اردیبهشت ۱۳۹۳

www.ketab.ir